



پلتفرم‌ها در آشوب چه می‌کنند؟



بسیاری باور دارند پلتفرم‌های آمریکایی در روزهایی که آشوب و درگیری در خانه همسایه باشد، با بد پیش گرفتن سیاست‌هایی تحت عنوان بی‌طرفی یا مقابله با سرکوب فضای خود را اداره می‌کنند، اما امروز که خشونت در خانه اتفاق افتاده است، عملکرد دیگری دارند. محدودسازی و مسدودسازی صفحات مروجان آشوب حتی صفحات ترامپ در زمانی که آنها داعیه تقلب در انتخابات آمریکا را داشتند و همچنین حذف پست‌ها، عکس‌ها و فیلم‌های مروج خشونت و آشوب ازجمله مواردی است که اخیرا رخ داده و در این مورد می‌توان به آن اشاره کرد.

قانون و چالش با پلتفرم‌ها

در بخش ۲۳ قانون نزاکت ارتباطات ایالات متحده آمریکا مصوب ۱۹۹۶ که گفته می‌شود در راستای حفاظت از آزادی بیان تدوین شده، آمده‌است هیچ سرویس یا پلتفرم اینترنتی در قبال محتوایی که کاربران تولید می‌کنند مسؤولیت ندارد و مرجع صالح برای حذف یا بقای محتوای مذکور، خود پلتفرم است. از این متن می‌توان نتیجه گرفت، توئیتر و فیسبوک با تعداد کثیری کاربر فعال و بیوتیوب با آمار بالایی در آپلود روزانه ویدئو، هرگز مسؤولیتی در قبال محتواهای تولید شده ندارند و پلتفرم‌ها نباید مشکلی در زمینه پاسخگویی یا هراس از قطع دسترسی داشته باشند، ولی چنین نیست و هرازگاهی گلایه‌هایی نسبت به قانون آمریکا به گوش می‌رسد و امکان احضار نمایندگان این پلتفرم‌ها در دادگاه همچنان وجود دارد! این نشان می‌دهد، برد این بازی همیشه یکطرفه نیست و مصداق «گهی زین به پشت و گهی به پشت به زین» را می‌توان در ارتباط میان پلتفرم‌ها و حاکمیت دید که در تغییر نتیجه بازی سیاست‌های کلان نظام‌های سیاسی می‌تواند تاثیرگذار باشد.

نگاهی به تاریخچه مناقشات میان پلتفرم‌ها و نظام‌های سیاسی نشان می‌دهد تقریبا همه ساختارهای سیاسی و حکمرانی دست‌کم یک‌بار با پلتفرم‌ها دچار چالش شدند. این موضوع در آمریکا هم اتفاق افتاده اما پس از انتخابات ۲۰۱۶ شکل تازه‌تری یافته است. همین اتفاق باعث می‌شود بسیاری عصر حاضر را عصر حکمرانی این پلتفرم‌ها در عرصه‌های مختلف زندگی از جمله سیاست بدانند و به‌دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش باشند که نقش این بسترهای مجازی در ساخت پایه‌های نظام‌ها در آینده چگونه خواهد بود؟

به‌نظر می‌رسد هرچند در نظم نوین سایبری همچنان شاهد بازگردانی پلتفرم‌ها در عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خواهیم بود، تاثیر آنان و چالش‌شان به حاکمیت با اتفاقات اخیر آمریکا رنگ دیگری گرفته است؛ رنگی که تئوری عدم استقلال و بی‌طرفی آنان در مناقشات سیاسی، اعتراض‌ها و آشوب را رد می‌کند و البته نشان می‌دهد پشت آنان به حامیان قدرتمندی گرم است.

شب‌نشینی زمستانی «دست در دست» از پنجشنبه روی آنتن شبکه دو

شبکه دوی سیمای پنجشنبه ۲۵دی فصل زمستانی برنامه شبانگاهی «دست در دست» را با اجرای سیاوش عقدایی به‌صورت زنده روانه آنتن می‌کند.

به گزارش روابط عمومی شبکه دو، این برنامه که چندی است فصل پاییزی خود را پشت سر گذاشته در ویژه‌برنامه فصل زمستانی خود با دعوت از مهمانانی ویژه

کارشناسان چه می‌گویند؟

با چند کارشناس گپ زدیم و درباره عملکرد پلتفرم‌های آمریکایی در اعتراض‌های این کشور به جریان انتخابات پرسیدیم.

حسن میثمی، پژوهشگر رسانه‌های اجتماعی در مورد عملکرد پلتفرم‌های پرتعداد در جریانات اخیر آمریکا با ذکر تاریخچه‌ای به جام جم می‌گوید: اگر بخواهیم از ابتدا به اتفاقاتی که در این حوزه افتاده است نگاه کنیم، این قضیه به شروع مبارزات انتخاباتی ترامپ برمی‌گردد. یک جوهرهایی با تقابل ترامپ و تیک‌تاک و کلا پلتفرم‌های آمریکایی با پلتفرم‌های چینی شروع شد. بعد از این‌که کمی جلوتر آمدیم، ترامپ مطالبی که در شبکه‌های اجتماعی می‌گذاشت و توییتهایش برچسب‌هایی می‌خورد، ترامپ به این موضوع اعتراض کرد و توییتر را به قانون ۲۳۰ ارجاع داد که طبق آن پلتفرم مسؤول محتوا نیست. این بحث‌ها مدام جدی‌تر شد تا وقتی به انتخابات آمریکا رسید و بحث تقلب در انتخابات مطرح شد. در این زمان ترامپ و طرفدارانش مباحث مربوط به تقلب در انتخابات را منتشر می‌کردند و بحث تگ زدن در تمام پلتفرم‌ها مثل توئیتر، فیسبوک، اینستاگرام و حتی ردیت شروع شد. همین تگ زدن‌ها هم با واکنش ترامپ همراه بود و تنش‌ها خیلی بالا گرفت تا به اتفاقات چهارشنبه‌شب و حمله به ساختمان کنگره رسید که بعد از آن اکانت ترامپ بسته و محدودیت‌هایی برای برخی در استفاده از پلتفرم‌ها ایجاد شد.

فرشاد مهدی‌پور، روزنامه‌نگار و رئیس پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی این اتفاقات را آغاز فصل تازه‌ای در حکمرانی فضای مجازی می‌داند و بیان می‌کند: در وضعیت کنونی با نحوه تازه‌ای از اداره یا حکمرانی در حوزه فضای مجازی روبه‌رو هستیم. در واقع حکمرانی مفهومی است که معمولا به حکومت یا حاکمیت برمی‌گردد اما آنچه شاهدش هستیم این‌که شرکت‌های چندملیتی پرقدرت می‌توانند در مقاطعی با بخشی از حاکمیت درگیری داشته باشند و منافع بخش دیگری از حاکمیت را تامین کنند و درحالی‌که هنوز ترامپ رئیس جمهور آمریکاست تمام صفحات و اکانت‌های او را ببندند. این موضوع در سه ماه گذشته رایج بوده است یعنی از روزی که به انتخابات آمریکا نزدیک می‌شدیم صفحاتی از پیام‌های ترامپ که می‌گفت در انتخابات تقلب می‌شود و بعد گفت تقلب شد، همچنین صفحات طرفدارانش بسته می‌شدند. مطالبی در این‌خصوص هم با تگ مطلب حساسیت‌برانگیز رد می‌شد. در این چند ماه با موج مواجهه توییتر و بعد فیسبوک، اینستاگرام و... با این جریان‌ها روبه‌رو بودیم.

اگر به سابقه این موضوع برگردیم این پلتفرم‌ها از پنج شش سال پیش برنامه‌های خود را متکی بر آن چیزی که سیاست‌های رژیم آمریکا می‌دانستند تطبیق می‌دادند؛ مثلا مدت‌ها بود محتواهای مربوط به سپاه پاسداران را به دلیل آن‌که آمریکا آن را یک مجموعه تروریستی اعلام کرده بود در صفحات اینستاگرام حذف می‌کردند یعنی خودشان را وفادار به آن چیزی می‌دانستند که حکومت آمریکا اعلام می‌کند و براساس مالکیتی که بر آن داشت و قدرتی که در «سیلیکون ولی» می‌توانست اعمال کند، اینها محدودیت اعمال می‌کردند. حالا موج جدید، موجی است که این پلتفرم‌ها بخشی از یک جریان داخلی را حمایت می‌کنند یعنی حامی دموکرات‌ها در برابر جمهورخواهان هستند. یعنی درون یک رقابت داخلی آمریکا، طرف یک بخش را گرفتند. به نظر من این را باید سرفصل عصر جدیدی از حکمرانی شرکت‌ها ذکر کنیم که با استفاده از پلتفرم‌های بزرگ اتفاق می‌افتد.

مهدی خاتعلی‌زاده، پژوهشگر روابط بین‌الملل درباره تشریح عملکرد پلتفرم‌ها در هنگامه خشونت و آشوب به جام جم می‌گوید: اساس شکل‌گیری رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزاری در مدیریت جامعه در داخل و سیاست خارجی بوده است. پلتفرم‌ها هم به همین منظور توسط آنها طراحی شده است. بنابراین می‌بینیم کتاب معروفی باعنوان شبکه‌های خشم و امید بعد از ماجرای بیداری اسلامی منتشر شد که از آنها به‌عنوان ابزار راز برنده در حوزه سیاست خارجی نام برد و خیلی تقدیر و تقدیس شدند. گفتند ما یک‌سری انقلاب در قرن ۲۱ داریم که توسط کاربری در فیسبوک یا توئیتر دارد انجام می‌شود. اما این ماجرا دو سر داشت و الان دارد سر دومش را نشان می‌دهد که این به دلیل ضعف و کاسته شدن قدرت نرم آمریکاست. حالا آمریکا می‌بیند این ابزاری که در دستش بود و داشت کشورهای دیگر را با آن می‌نواخت به جایی رسیده که دارد به خودش هم آسیب می‌زند. اینجاست که مفاهیم خلق می‌کند و مفهومی مثل امنیت ملی را وسط می‌گذارد و طبق آن رفتار می‌کند.



نوشین مجلسی

رسانه

در حوزه‌های مختلف فرهنگی، هنری، ادبی، اجتماعی، ورزشی، علمی و ... علاوه بر پرداختن به موضوعاتی مثل زمستان و تأثیرگذاری افراد در بزنگاه‌های اجتماعی و تاریخی به موضوع مهم همراهی افراد جامعه در جدیدترین میدان همدلی یعنی دوران شیوع کرونا پرداخته و در این مسیر هم‌صحبت افرادی می‌شود که در

یاری‌رساندن به هموعان خود گام‌های مؤثری برداشته‌اند.

بخش دیگر مهمانان برنامه نیز شامل گروه‌های جهادی، سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه‌ها و همه‌کسانی می‌شود که دغدغه یاری‌رسانی به هم‌نوع را به‌ویژه در شرایط خاص امروز جامعه در حوزه‌های مختلف دارند.

نگاهی به عملکرد شبکه‌های اجتماع

وقتی امنیت، جای



حادثه اخیر آمریکا و آشوب‌هایی که در این کشور به راه افتاد در رسانه‌های جهان بازتاب فراوانی داشته است و در این میان عملکرد پلتفرم‌ها و سیاست‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی در اوضاع آشوب جزو موضوعاتی است که بار دیگر در کانون توجه قرار گرفته و در مورد آن صحبت می‌شود. هر چند چالش میان پلتفرم‌های آنلاین و دولت‌ها سابقه طولانی دارد و حتی آمریکا هم که زادگاه بغض عمده این دست سرویس‌دهندگان فضای مجازی است و ظاهرا به‌صورت قانونی از آزادی بیان در آنها حمایت می‌کند، قبل از این نیز دچار چالش‌هایی در این زمینه شده و خود تاکنون شکایت‌هایی را علیه پلتفرم‌ها مطرح کرده بود. به‌طور کلی با افزایش تعداد این بسترهای اینترنتی و استقبال گسترده کاربران از آنها، دغدغه قانون حاکم بر آنان پررنگ‌تر شده، اما حالا که جدال بر سر آشوبی است که در خانه‌های پلتفرم‌ها یعنی آمریکا رخ داده، عده‌ای باور بر دوگانه بودن عملکرد آنان در قیاس با دیگر کشورها در شرایط مشابه دارند. همین

فرمان دست کیست؟



ماکزاکزبرگ، موسس فیسبوک

آن برزیل و کشورهای دیگر. ما هیچ‌وقت نمی‌توانیم اطلاعاتی از گوگل یا جی‌میل درباره یک پست الکترونیکی مخرب یا تروریستی دریافت کنیم اما فبی‌ای می‌توانست. سال‌هاست این ماجرا به‌دلیل تسلطی که آنها دارند، وجود دارد. حتی در مواردی زاک‌برگ به جلسه استیناف مجلس صداره می‌شود تا پاسخگوی برخی مسائل باشد یا مدیر اجرایی گوگل به جلسه جی‌ا دعوت می‌شود و راجع به مسائل مهم حکمرانی جهانی با او مشورت می‌شود. درواقع اینها یک نسبت کاملا حاکمیتی دارند. اطلاعات ما راجع به پشت‌صحنه اینها کمی محدود است. در گذشته‌ها چامسکی در کتاب فیلترهای خبری یا سمپسون در کتاب ارتباطات و جنگ روانی اشاره می‌کند پشت‌صحنه اینها عمدتا سرویس‌های امنیتی مثل سی‌ای‌ای، پنتاگون و سناتورهای قدیمی و ژنرال‌های ارتشی هستند. نوع سرمایه‌گذاری‌ها را چامسکی توضیح می‌دهد. البته اطلاعات متعلق به سه دهه قبل تر است و قطعا الان این موضوع توسعه پیدا کرده است.

توانایی این‌که فضای ابری ایجاد کنند و بفروشند را هم دارند و در خیلی از کشورهای دنیا مثل روسیه یا کشورهای اروپایی، فضای ابری پشتوانه پلتفرم‌های داخلی‌شان را هم از آمازون می‌گیرند. بنابراین زنجیره ارزش کاملی را در مرحله توزیع، تولید و مصرف فراهم کردند که با اتکا به تعداد کاربران بالا و مالکیت بتوانند اعمال قدرت را به‌راحتی انجام دهند.

«**نسبت با حاکمیت**» نسبت پلتفرم‌ها با حاکمیت آمریکا موضوع دیگری است که مهدی‌پور درباره آن بیان می‌کند: به لحاظ فیزیکی بیشتر این پلتفرم‌ها در داخل کشور آمریکا قرار دارد و بخش زیادی از آنها دفاترشان در سیلیکون‌ولی است و ثبت سفارشات‌شان آنجا صورت می‌گیرد، شرکت‌هایشان آنجا ثبت شدند و حساب‌های بانکی آنجاست. ماجرای الان را درنظر نگیرید، ۱۰ سال پیش وقتی فبی‌ای از گوگل سوال می‌کرد و اطلاعات‌شان را می‌خواست، گوگل و جی‌میل اطلاعات فلان فرد را کاملا رد اختیارش می‌گذاشتند. یعنی اولین کشوری که توانست در دنیا این اطلاعات را دریافت کند آمریکا بود، بعد از

سیاسی آمریکا رایج و حاکم است و آن قدرت احتمالا خیلی به دموکرات‌ها و جریانات آنها نزدیک است که هر وقت بخواهند به نفع‌شان از آن استفاده می‌کنند. ریشه‌های این موضوع بیشتر سیاسی است و شاید یک آمریکاشناس بهتر بتواند در این مورد اظهارنظر کند ولی گویا نظام آمریکا مقامی بالاتر از ریاست جمهوری دارد. این در صورتی است که در ظاهر ندارد و اگر سیستم سیاسی آمریکا را نگاه کنید مقام بالاتری تعریف نشده است، ولی با شواهد زیادی می‌شود گفت قدرت بالاتری هست و این موارد را مدیریت می‌کند. آنچه من به‌عنوان پژوهشگر حوزه رسانه‌های اجتماعی در اتفاقات اخیر می‌بینم این است که هیچ‌کدام از مدیران پلتفرم‌ها را به قانون ارجاع ندادند، فقط به قانون داخلی خود استناد کردند.

«**یک انتقاد**» عدم استناد به قانون و حکم دادگاه در خصوص برخورد با عملکرد معترضان و ترامپ در فضای مجازی، موضوعی است که مورد انتقاد برخی قرار گرفته و عده‌ای را هم متعجب کرده است. میثمی در این باره می‌گوید: بسیاری از این پلتفرم‌ها حساب‌های کاربری خیلی از طرفداران ترامپ را در این چند روز بسته و خیلی از محتواها را پاک‌کرده است به همین علت تعداد زیادی انتقاد کردند که به چه حقی این کار انجام شده است؟ یادم هست جک دورسی، مدیر توییتر را به کنگره یا سنا احضار کردند و یک سناتور از او پرسش کرد مگر شما مسؤول تشخیص تقلب در انتخابات آمریکا هستید و او بیان می‌کند نه. در جواب می‌گوید پس چرا توییتهای ترامپ را تگ می‌زدید؟ دورسی پاسخ می‌دهد ما به هفت رسانه رسمی که مجوز انتشار اطلاعات انتخابات را داشتند ارجاع می‌دادیم. اما در مقابلش می‌گویند شما در واقع در این زمینه جهت‌گیری می‌کردید. این نشان می‌دهد نقدها خیلی جدی است و چنین بحث‌ها و چالش‌هایی در آنجا هم مطرح است و

حتما باعث اتفاقات جدیدی می‌شود. مثلا مدتی است مباحث جدیدی مثل این‌که شبکه اجتماعی بین‌المللی معنا ندارد و بسیاری از سیاستمداران دنیا

